

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل

پیاده سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش نهایی

### روایات گریستن بر حضرت اباعبدالله علیه السلام

چند روایت از روایاتی که در باب گریستن در مصائب اهل بیت علیهم السلام، خصوصاً اباعبدالله علیه السلام آمده است، می‌خوانم که بحث کامل شده باشد.

ریان بن شبیب می‌گوید: من روز اول محرم خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدم؛ آن حضرت بیاناتی فرمودند.

جملاتی از آن بیانات: امام رضا علیه السلام به پسر شبیب فرمودند: «يَا ابْنَ شَبِيبٍ اِنْ سَرَّكَ اَنْ تَكُونَ مَعَنَا فِي الدَّرَجَاتِ

الْعُلَى مِنَ الْجَنَانِ فَاحْزَنْ لِحُزْنِنَا وَ اَفْرَحْ لِفَرَحِنَا وَ عَلَيْكَ بِوَلَايَتِنَا، فَلَوْ اَنْ رَجُلًا تَوَلَّى حَجْرًا لِحَشْرَهُ اللهُ مَعَهُ يَوْمَ

الْقِيَامَةِ»<sup>۱</sup> ای پسر شبیب! اگر دوست می‌داری و خشنود می‌شوی که هم‌درجه‌ی ما اهل بیت در درجات بلند

بهشتی باشی، پس به خاطر حزن و اندوه ما محزون باش و هنگامی که ما شادمانیم، به خاطر شادمانی ما

شادمانی کن؛ و بر تو باد به ولایت ما اهل بیت که اگر شخصی یک سنگ را دوست بدارد و ولایت آن را بپذیرد،

خدای متعال فردای قیامت او را همراه آن سنگ محشور می‌کند؛ هر کس با محبوبش محشور است؛ گر چه در

دنیا هم همین‌طور است. اگر کسی به دیده‌ی باطن نگاه کند، هر کس با محبوبش محشور است. دنیا یا آخرت،

اولیای خدا و هر چیز را که دوست دارد، همین الآن هم همراه اوست، منتها مخفی است؛ فردای قیامت آشکار

می‌شود و همراه محبوبش خواهد بود. امام رضا علیه السلام فرمودند: در شادی ما شادمان باش، در اندوه ما اندوهگین

باش و ولایت ما را داشته باش و حفظ کن که اگر این‌گونه باشی، فردای قیامت در مقامات بلند بهشتی

۱. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۶.

هم‌مرتبه‌ی ما خواهی بود.

روایت دیگر از امام صادق علیه السلام است. حدیثی طولانی است که بخشی از آن را می‌خوانم. راوی می‌گوید: امام صادق علیه السلام فرمودند: «ما بکی أحدٌ رحمةً لنا و لِمَا لَقِينَا إِلَّا رَحِمَهُ اللهُ قَبْلَ أَنْ تَخْرُجَ الدَّمْعَةُ مِنْ عَيْنِهِ»؛ احدی از سر مهر و محبت و اینکه دلش برای ما سوخته باشد و به خاطر مصائبی که بر ما وارد شده، نمی‌گرید؛ مگر اینکه قبل از این که قطره‌ی اشکی از چشم او خارج شود، خدای متعال او را مشمول رحمت خود قرار می‌دهد. «فَإِذَا سَأَلَ دُمُوعُهُ عَلَى خَدِّهِ فَلَوْ أَنَّ قَطْرَةً مِنْ دُمُوعِهِ سَقَطَتْ فِي جَهَنَّمَ لَأَطْفَأَتْ حَرَّهَا حَتَّى لَا يُوجَدَ لَهَا حَرٌّ»؛ اما اگر این قطره‌ی اشک از چشمش بیرون آمد و روی گونه‌ی او جاری شد، حتی اگر یک قطره از اشک او در جهنم بیفتد، تمام آتش جهنم را خاموش می‌کند، به گونه‌ای که هیچ حرارتی از جهنم احساس نخواهد شد. «وَإِنَّ الْمُوجِعَ قَلْبُهُ لَنَا لَيَفْرَحَ يَوْمَ يَرَانَا عِنْدَ مَوْتِهِ فَرِحَةً لَا تَزَالُ تِلْكَ الْفَرِحَةُ فِي قَلْبِهِ حَتَّى يَرِدَ عَلَيْنَا الْحَوْضُ»؛ کسی که قلبش به خاطر ما به درد بیاید، روزی که می‌خواهد از دنیا برود، از جانب ما یک فرح و شادمانی‌یی به او می‌رسد که این شادمانی در قلب او باقی خواهد ماند تا روزی که در کنار حوض کوثر بر ما اهل بیت وارد شود. «وَمَا مِنْ عَيْنٍ بَكَتْ لَنَا إِلَّا نُعِمَتْ بِالنَّظَرِ إِلَى الْكُوْثَرِ وَ سَقِيَتْ مِنْهُ مِنْ أَحَبَّنَا»<sup>۲</sup> و هیچ چشمی برای ما اهل بیت نمی‌گرید، مگر اینکه با نگرستن به حوض کوثر، مورد انعام الهی قرار می‌گیرد؛ یعنی این نعمت شامل حال او می‌شود و کسی که ما را دوست بدارد، از حوض کوثر سقایت می‌شود و سیراب خواهد شد.

امام رضا علیه السلام فرمودند: «مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا ارْتُكِبَ مِنَّا كَانَ مَعَنَا فِي دَرَجَتِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»؛ کسی که متذکر مصائب ما شود، یاد کند و بگرید به خاطر آنچه که بر ما رفت و دشمنان بر سر ما آوردند، فردای قیامت در درجه‌ی ما اهل بیت خواهد بود. این روایت‌ها خیلی عجیب است. «وَمَنْ ذُكِّرَ بِمُصَابِنَا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكِ عَيْنُهُ»

۲. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۲.

يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونَ»؛ و کسی که متذکر می‌شود، -اولی تذکر می‌داد و مصائب اهل بیت را به یاد دیگران می‌انداخت، این کسی است که آنها را می‌شنود- کسی که مصیبت‌های ما به یادش می‌افتد و بگرید و دیگران را هم بگریاند، چشمان او در روزی که همه‌ی چشم‌ها گریان است، گریان نخواهد بود. «وَمَنْ جَلَسَ مَجْلِسًا يُحْيَا فِيهِ أَمْرًا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ»<sup>۳</sup> و کسی که در مجلسی بنشیند که در آن مجلس، امر ما اهل بیت احیا و زنده شود، قلب او در روزی که همه‌ی قلب‌ها می‌میرند، نخواهد مرد و دچار دل‌مردگی نخواهد شد.

روایت دیگر از امام صادق علیه السلام، حضرت فرمودند: «مَنْ ذُكِرْنَا عِنْدَهُ فَفَاضَتْ عَيْنَاهُ وَ لَوْ مِثْلَ جَنَاحِ بَعُوضَةٍ غُفِرَ لَهُ ذُنُوبُهُ وَ لَوْ كَانَتْ مِثْلَ زَيْدِ الْبَحْرِ»<sup>۴</sup> کسی که در نزد او یاد ما اهل بیت شود و از چشمانش اشک خارج شود، ولو به اندازه‌ی بال یک مگس باشد، همه‌ی گناهان او بخشیده می‌شود؛ ولو آنکه گناهان او به اندازه‌ی کف همه‌ی دریاها باشد. گریه بر مصائب اهل بیت علیهم السلام چنین کار عظیمی می‌کند.

حدیث دیگر، دعبل خزاعی این روایت را نقل کرده است؛ در دهه‌ی اول محرم، بر آقای خودم علی بن موسی الرضا علیه السلام وارد شدم. حضرت را دیدم که مانند نشستن یک انسان ماتم‌زده‌ی محزون و غمگین نشسته‌اند و یاران حضرت هم دور ایشان حلقه زده‌اند. به محض اینکه امام هشتم مرا دیدند، بیاناتی فرمودند از جمله این‌که: «يَا دَعْبِلُ مَنْ ذَرَفَتْ عَيْنَاهُ عَلَي مُصَابِنَا وَ بَكَى لِمَا أَصَابَنَا مِنْ أَعْدَائِنَا حَسْرَهُ اللهُ مَعَنَا فِي زَمْرَتِنَا»؛ ای دعبل! کسی که چشمانش در مصیبت ما تر شود و به‌خاطر آنچه که از دست دشمنان بر ما وارد شد، بگرید، خدای متعال فردای قیامت او را همراه و در زمره‌ی ما اهل بیت و ائمه علیهم السلام محشور می‌کند. «يَا دَعْبِلُ مَنْ بَكَى عَلَي مُصَابِ جَدِّي الْحُسَيْنِ غَفَرَ اللهُ لَهُ ذُنُوبَهُ»<sup>۵</sup> البته ای دعبل کسی که بر مصائب جدّ ما اباعبدالله الحسین علیه السلام بگرید، خدا گناهان او

۳. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۴. ابن قولویه، کامل الزیارات، ص ۱۰۴.

را قطعاً مورد مغفرت و بخشش قرار می‌دهد.

روایت بعد، همان ادامه‌ی فرمایشات امام رضا علیه السلام به پسر شیب است که حضرت فرمودند: «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ كُنْتَ بَاكِيًا لَيْسَ بِكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ؛ ای پسر شیب! اگر می‌خواهی بر چیزی گریه کنی، بر جدّ غریب و مظلوم من، حسین بن علی بن ابی‌طالب گریه کن؛ «فَأَنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يُذْبِحُ الْكَبْشُ»؛ چرا که همان‌طور که گوسفند را سر می‌برند، اباعبدالله الحسین علیه السلام را هم ذبح کردند. «وَقُتِلَ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ رَجُلًا مَا لَهُمْ فِي الْأَرْضِ شَبِيهُونَ»؛ به همراه حسین، دوازده مرد از اهل بیت او به شهادت رسیدند که شبیه هیچ یک از آنها روی کره‌ی زمین وجود ندارد. «وَلَقَدْ بَكَتِ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُونَ لِقَتْلِهِ»؛ همه‌ی آسمان‌های هفت‌گانه و زمین‌ها برای شهادت اباعبدالله الحسین علیه السلام گریستند. «وَلَقَدْ نَزَلَ إِلَى الْأَرْضِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ أَرْبَعَةُ آفَافٍ لِنَصْرِهِ فَوَجَدُوهُ قَدْ قُتِلَ»؛ ای پسر شیب! از ملائکه‌ی الهی، چهار هزار فرشته از آسمان، برای یاری و نصرت حسین به سوی زمین نازل شدند؛ اما وقتی که رسیدند، او را کشته و شهید یافتند. «فَهُمْ عِنْدَ قَبْرِهِ شُعْتُ غُبْرٍ إِلَى أَنْ يَقُومَ الْقَائِمُ فَيَكُونُونَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَشِعَارِهِمْ يَا لَثَارَاتِ الْحُسَيْنِ»؛ این ملائکه بعد از اینکه حسین را غرق در خون و شهید یافتند، نزد قبر او خاک‌آلوده و پریشان‌حال به گریه و ماتم مشغولند تا روزی که حجت خدا به امر الهی قیام کند و این ملائکه به نصرت و یاری حجت خدا و امام عصر علیه السلام برخیزند و شعار آنها ای خون‌خواهان حسین است. «يَا ابْنَ شَيْبِ بْنِ لَقَدْ حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ أَنَّهُ لَمَّا قُتِلَ جَدِّي الْحُسَيْنُ أَمْطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا وَتُرَابًا أَحْمَرَ»؛ ای پسر شیب! پدر من از پدرش و او از جدش که بر همه‌ی آنها سلام باد، روایت کرد هنگامی که حسین، جدّ من به شهادت رسید، آسمان خون‌گریست و خاک‌ها خون‌آلود و سرخ‌گون شدند. از آسمان، خاک و خون بارید.

روایت بعدی بخش دیگری از همان روایتی است که حضرت با پسر شیب صحبت می‌کردند، فرمودند: «يَا ابْنَ

شَبِيبِ اِنْ بَكَيتَ عَلَيَّ الْحُسَيْنِ حَتَّى تَصِيرَ دُمُوعُكَ عَلَيَّ خَدَيْكَ»؛ ای پسر شیبیب! اگر بر حسین علیه السلام گریستی، به گونه‌ای که اشک‌های تو از چشمت به روی گونه‌هاست رسید و جاری شد، «غَفَرَ اللهُ لَكَ كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتَهُ صَغِيْرًا كَانَ اَوْ كَبِيْرًا، قَلِيْلًا كَانَ اَوْ كَثِيْرًا»؛ همه‌ی گناهان تو در اثر این قطره‌ی اشک بخشیده شد؛ خواه گناه صغیره، خواه گناه کبیره، خواه گناه اندک و کم، خواه گناه بسیار. این آن تأثیر کیمیایی گریستن بر اهل بیت، خصوصاً گریستن بر اباعبدالله الحسین علیه السلام است که در این روایات روشن است. بخشیده شدن گناهان، آن هم گناهان کبیره، آن هم کثیر، یعنی چه؟! یعنی این قطره‌ی اشک، گوهر و کیمیایی است که روح انسان را از آن همه آلودگی و جراحات و لطماتی که در اثر این گناهان وارد شده است، پاک می‌کند؛ ترمیم می‌کند و در اثر این قطره‌ی اشک، دوباره روح به سلامت خود باز می‌گردد. «يَا اِبْنَ شَبِيْبِ اِنْ سَرَّكَ اَنْ تَلْقَى اللهَ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لَا ذَنْبَ عَلَيْكَ فَزُرِ الْحُسَيْنَ علیه السلام»؛ ای پسر شیبیب! اگر دوست می‌داری و مسرور می‌شوی که در حالی به مرگ نائل شوی و خدای متعال را ملاقات کنی که هیچ گناهی در نامه‌ی اعمال تو نباشد، پس برو حسین، جدّ مرا زیارت کن. «يَا اِبْنَ شَبِيْبِ اِنْ سَرَّكَ اَنْ تَسْكُنَ الْعُرْفَ الْمَبِيْيَةَ فِي الْجَنَّةِ مَعَ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله فَالْعَنْ قَتْلَةَ الْحُسَيْنِ علیه السلام»؛ ای پسر شیبیب! اگر خوشحال می‌شوی و دوست می‌داری که در غرفه‌های بنا شده در بهشت همراه با پیامبر و خاندان پیامبر ساکن شوی، پس قاتلان اباعبدالله را لعن و نفرین کن. «يَا اِبْنَ شَبِيْبِ اِنْ سَرَّكَ اَنْ يَكُوْنَ لَكَ مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا لِمَنْ اسْتُشْهِدَ مَعَ الْحُسَيْنِ فَقُلْ مَتَى مَا ذَكَرْتَهُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَافُوْزَ فَوْزًا عَظِيْمًا»<sup>۷</sup>؛ ای پسر شیبیب! اگر خشنود می‌شوی که ثوابی برای تو ثبت شود، مثل ثواب کسانی که در رکاب اباعبدالله شهید شدند، هرگاه به یاد اباعبدالله و یاران باوفای او افتادی، بگو: «يَا لَيْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَافُوْزَ فَوْزًا عَظِيْمًا»؛ ای کاش من هم با آنها بودم و به این رستگاری عظیمی که آنها نائل شدند، نائل می‌شدم. با گفتن این جمله تو در ثواب شهدای کربلا شریک می‌شوی.

حدیث دیگری از پیغمبر اکرم ﷺ به دختر بزرگوارشان، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام وجود دارد که طولانی است و فقط یک جمله از آن را می‌خوانم. حضرت فرمودند: «يا فاطمة كل عين باكية يوم القيامة الا عين بكت على مصاب الحسين»؛ دخترم فاطمه! همه‌ی چشم‌ها فردای قیامت گریانند، مگر چشمی که بر مصائب حسین گریسته باشد؛ «فانها ضاحكة مستبشرة بنعيم الجنة»<sup>۸</sup> صاحب چنین دیدگانی خندان است و به نعمت‌های بهشتی بشارت داده می‌شود.

حدیثی طولانی‌یی از امام صادق علیه السلام هست که فقط جمله‌ای از آن را عرض می‌کنم. حضرت فرمودند: «وَمَنْ ذَكَرَ الْحُسَيْنَ علیه السلام عِنْدَهُ فَخَرَجَ مِنْ عَيْنِهِ مِنَ الدَّمْعِ مِقْدَارُ جَنَاحِ دُبَابٍ كَانَ ثَوَابُهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ لَمْ يَرْضَ لَهُ بِدُونِ الْجَنَّةِ»<sup>۹</sup> هر کس یاد اباعبدالله الحسین علیه السلام نزد او شود و به یاد امام حسین بیفتد و از چشم او به اندازه‌ی بال یک مگس اشک خارج شود، ثواب او قابل احصا نیست؛ ثوابش بر خداست؛ معلوم نیست چقدر است؛ اما خدا برای چنین فردی به کمتر از بهشت راضی نمی‌شود. نه اینکه بهشت اجر اوست، این حداقل است؛ خدای متعال به کمتر از بهشت برای کسی که چشمش نمناک به اشک در مصائب اباعبدالله شود، راضی نمی‌شود. و خود اباعبدالله الحسین علیه السلام هم فرمودند: «أَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَةِ لَا يَذْكُرُنِي مُؤْمِنٌ إِلَّا بَكَى»<sup>۱۰</sup> من کشته‌ی اشکم و هیچ مؤمنی مرا یاد نمی‌کند، مگر اینکه اشک از چشمان او جاری می‌شود.

احادیث فراوانی در این زمینه وجود دارد؛ کتاب‌هایی مثل کامل الزیارة ابن قولویه و کتاب‌های دیگری که در مقاتل نوشته شده است، معمولاً یک فصل را به بحث گریه و اقامه‌ی عزا در ماتم اباعبدالله الحسین علیه السلام اختصاص می‌دهند. اگر مراجعه کنید، مشاهده خواهید کرد که چه عظمتی دارد و امیدوارم اهل باور باشیم. آنچه می‌تواند ما را از عنایات خاصه‌ی الهی و الطاف خاصه‌ی اهل بیت محروم کند، همین شک کردن و ناباوری است. آنکه باور

۸. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۹۳.

۹. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۸۸.

۱۰. مجلسی، بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۲۷۹.

کرد، نوش جانش می‌شود؛ بهره‌اش را می‌برد؛ و آن که تردید کرد، بهره‌ای نمی‌برد. جای تردید ندارد؛ روایاتی که در بحث عظمت گریستن بر اباعبدالله الحسین علیه السلام است، به قدری فراوان است که جای سر سوزنی تردید باقی نمی‌گذارد. روایات معتبر در متون بسیار معتبر روایی در عظمت اشک بر اباعبدالله الحسین علیه السلام داریم. کسی که در ماتم اباعبدالله الحسین علیه السلام می‌گرید، با انبیای الهی در طول تاریخ همراهی می‌کند. خود حضرت آدم علیه السلام، وقتی آن کلمات برایش آمد برای اینکه توبه‌اش پذیرفته شود که «یا حَمِيدُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ، یا عَالِيُ بِحَقِّ عَلِيٍّ، یا فَاطِرُ بِحَقِّ فَاطِمَةَ، یا مُحْسِنُ بِحَقِّ الْحَسَنِ، یا قَدِيمُ الْأَحْسَانِ بِحَقِّ الْحُسَيْنِ» به جبرئیل گفت این اسماء چه هستند؟ چهار اسم اول را که شنیدم، همه‌ی وجودم پر از بهجت و شادمانی شد؛ اما نمی‌دانم این اسم پنجم چه بود؛ وقتی آن را شنیدم و به زبان آوردم، همه‌ی قلبم پر از حزن و اندوه شد و چشمانم اشکبار شد. بعد آنجا جبرئیل شروع به نقل واقعه‌ی کربلا کرد و روضه‌ی کربلا را برای آدم ابوالبشر علیه السلام خواند. از حضرت آدم تا پیغمبر خاتم، همه‌ی انبیا در ماتم امام حسین علیه السلام گریستند؛ ائمه علیهم السلام، امیرالمؤمنین، امام مجتبی، فاطمه‌ی زهرا و از امام سجاد تا حجت خدا علیه السلام همه گریسته‌اند؛ حجت خدا فرمودند: ای جدّ بزرگوارم! اگر روز عاشورا نبودم تا با این پیکر، خود را سپر بلای تو کنم، اما حال صبح و شب در ماتم تو اشک خون می‌بارم. گریستن بر اباعبدالله، اقتدا بر اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام است. در روایت امام رضا علیه السلام به ابن شیبب، آن حضرت فرمودند: ملائکه الله بر اباعبدالله گریانند؛ کسانی که چشم حقیقت‌بین دارند و دیده‌ی دلشان باز است، در حرم اباعبدالله، تحت آن قبه، ملائکه را می‌بینند که چطور شیون می‌کنند که اگر مردم عادی بتوانند آن صحنه را یک لحظه ببینند، جان می‌دهند؛ قابل تحمل نیست؛ آن گریه‌ها و شیون‌های ملائکه از روز عاشورا تا امروز بسیار سنگین است؛ یک سر سوزن آرام نگرفته‌اند و می‌گریند و تا قیام حجت خدا هم آرام نمی‌گیرند؛ تا اینکه در رکاب حجت خدا برای خون‌خواهی اباعبدالله الحسین علیه السلام بروند. گریستن بر اباعبدالله، همراهی با ملائکه الله است.

به نصّ قرآن کریم و بنا به احادیث معتبر نبوی، پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، پیغمبر بر جن و انس است؛ در بین اجنه هم مؤمنان و مسلمانانی هستند. کما اینکه سوره‌ی جن از آمدن گروهی از جنیان خدمت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و ایمان

آوردنشان به ایشان حکایت می‌کند. بنا به روایات، جنیان، قبل از روز عاشورا خدمت اباعبدالله علیه السلام آمدند و خواستند حضرت اجازه دهند تا آنها در دفاع از اباعبدالله شریک شوند. آنها هم شیعه بودند؛ اما حضرت فرمودند: نه این منصفانه نیست؛ شما دشمن مرا می‌بینید، اما دشمن من نمی‌تواند شما را ببیند؛ این جنگ نابرابر است. عرض کردند: یا اباعبدالله! ما که این قدرت را داریم برای خودمان بدن درست می‌کنیم، مثل بدن انسان که آنها هم بتوانند ببینند، اجازه دهید این کار را انجام دهیم تا آنها هم بتوانند ما را با تیغ و نیزه‌هایشان بکشند. حضرت فرمودند: خدا به شما جزای خیر دهد؛ فعلاً بروید تا ببینیم بعداً چه می‌شود. آنها رفتند و برای اینکه خبر بگیرند، دوباره برگشتند، اما کار از کار گذشته بود و عصر عاشورا بود و با آن صحنه‌ی عجیب روبرو شدند که از همان لحظه شروع به شیون کردند. روایات متعددی در بحث نوحه‌ی جن داریم که در شب شام غریبان، صدای شیونی در این صحرا پیچیده بود و کسی هم گریه‌کنندگان را نمی‌دید؛ اینها جنیان شیعه بودند که آمده بودند در ماتم اباعبدالله می‌گریستند.

حدیث امام رضا علیه السلام را دیدید و چقدر فراوان است احادیثی که می‌گویند آسمان و زمین در ماتم اباعبدالله، بعد از واقعه‌ی کربلا گریست. در همین روایاتی که در بحث اربعین است، حدیث داریم که «**إِنَّ السَّمَاءَ بَكَتْ عَلَى الْحُسَيْنِ** **أَرْبَعِينَ صَبَاحاً**»<sup>۱۱</sup> آسمان چهل روز بر حسین علیه السلام گریست. یعنی از روز عاشورا تا روز اربعین آسمان می‌گریست. در روایات نقل شده که بعد از واقعه‌ی عاشورا، تا مدتی هر سنگ را که از زمین برمی‌داشتند، از زیر آن خون جاری می‌شد. حیوانات شیون و گریه می‌کردند. داستان پیدا شدن محل قبر اباعبدالله علیه السلام همین‌گونه بود؛ متوکل عباسی قبر آن حضرت را بارها ویران کرد و زمینش را شخم زد و گیاه و گندم و جو کاشت تا آثار این قبر از بین برود و آب بست و آن همه شقاوت کرد؛ اما بعدها دیدند نقطه‌ای است که حیوانات آنجا جمع می‌شوند و قبر آن حضرت را یافتند. حیوانات هم حجت خدا را می‌شناسند؛ کل آفرینش در این ماتم شریک است؛ گیاهان در این ماتم گریسته‌اند و می‌گریزند. در کشور خودمان هم هست؛ در زرآباد، محلی سمت قزوین، درخت چنار بسیار



کهن‌سالی است که هر سال در روز عاشورا خون‌گریه می‌کند. مردم به آنجا می‌روند، این خون‌ها را با دستمال تبرک می‌گیرند. شیره‌ی درخت چنار قرمز رنگ نیست؛ ولی روز عاشورا، همین‌طور از این درخت خون جاری می‌شود و خون می‌گرید. همه‌ی عالم بر مصیبت اباعبدالله علیه السلام ماتم‌زده هستند. به همین خاطر کسی که بر مصائب اباعبدالله گریه می‌کند، با جریان هستی هماهنگ شده است و با نوای آفرینش هم‌نوایی می‌کند.